

تبیین زندگی روزمره‌ی کارتن‌خواب‌های شهر تهران و رابطه‌ی آن با امنیت اجتماعی

سیدسعید آقایی^۱، علیرضا کلدی^۲، منصور وثوقی^۳

از صفحه ۱۵۹ تا ۱۸۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۴

چکیده

افزایش بی‌خانمانی در شهر تهران بر اساس آمار ارائه شده از سوی شهرداری و بهزیستی، این پدیده و پیامدهای آن مانند اعتیاد، کارتن‌خوابی و شیوع بیماری‌های واگیردار و غیره، ضرورت مطالعه‌ی زندگی روزمره‌ی این گروه از افراد را نشان می‌دهد. از آنجا که بیشتر کارتن‌خواب‌های شهر تهران مهاجر هستند که به تبعیت از خانواده یا به صورت فردی به این شهر آمده و در ضمن ساکن مناطق جنوبی، جرم‌خیز و حاشیه‌ای شهر بوده‌اند، از نظریه‌ی زندگی روزمره‌ی گافمن و بخش تبیین منش استفاده شده، منش در نظریه‌ی گافمن به ویژگی‌های قومی، پایگاه طبقاتی و نشان‌های مقام می‌پردازد که اعتبار افراد را تضمین می‌کند. تبیین زندگی روزمره‌ی کارتن‌خواب‌های شهر تهران که با روش کیفی و نمونه‌گیری هدفمند تا اشباع داده‌ها پیش رفت، از طریق تحلیل کیفی مصاحبه‌ها به این نتیجه رسید که ویژگی‌ها و فرهنگ قومی، مهمترین عنصر نظری در منش است که پایگاه طبقاتی و نشان‌های مقام، تابعی از آن هستند؛ به این معنا که پایگاه طبقاتی و نشان‌های مقام بنا به ویژگی درون‌گرا یا برون‌گرا بودن هر قومی می‌تواند اکتسابی یا انتسابی باشد و زمینه‌های گرایش افراد به کجروی را بنا بر ارزش‌های درون‌قومی ممکن است مهیا کرده و یا از آن پیشگیری کنند. ارزش و عرف ممکن است در اقوام بر هنجارها برتری یابد و اعتبار اجتماعی انتسابی پس از مهاجرت، از دست برود و فرد احساس تنهایی کند. در این حالت است که طرد اجتماعی از جامعه‌ی مقصد رخ داده و فرد نیز قصد بازگشت به جامعه‌ی مبدا را ندارد و سردرگمی به وجود می‌آید. قومیت‌هایی که از ارزش‌هایی برخوردارند و عرف اجتماعی آنان، مصرف مواد مخدر را ترویج می‌کند، پس از ورود به جوامع دیگر، به سوی اعتیاد و پس از آن کارتن‌خوابی گرایش پیدا می‌کنند. در مقابل، قومیت‌هایی که در خود از چنین فرهنگی برخوردار نیستند، زمینه‌های مساعد را از جامعه‌ی مقصد دریافت کرده و گرایش به کجروی پیدا می‌کنند. مهاجرت به عنوان یکی از دلایل اختلاط فرهنگ‌های قومی است که با انتقال به جامعه‌ی مقصد، امکان ایجاد مکان‌هایی به عنوان پاتوق برای مهاجران فراهم می‌آید. همین امر باعث می‌شود تا تاثیرپذیری مهاجرین از یکدیگر صورت گرفته و زمینه‌های مساعد برای کجروی به وجود آید و امنیت اجتماعی را در مناطق تمرکز این افراد، کاهش دهد. با تاثیرپذیری امنیت اجتماعی از مهاجرت و پاتوق شدن منطقه، سلب اعتماد، کاهش حضور بومی‌ها در منطقه و افزایش میزان جرم رخ می‌دهد.

واژگان کلیدی: کارتن‌خوابی، منش، ویژگی‌های قومی، نشان‌های مقام، پایگاه طبقاتی، زندگی روزمره

۱. دانش‌آموخته جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. drkaldi@yahoo.com

۲. استاد و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران-نویسنده مسئول. saeidaghaei1396@gmail.com

۳. استاد و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. Vosooghi_mn@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

شهر به مثابه مکان زیست جمعی انسان مدرن، بستر فیزیکی زندگی او را شکل می‌بخشد. حیات شهری متضمن مجموعه روابط رسمی، چندگانه، شبکه‌وار و چندبعدی است و ساکنان شهر در زندگی روزمره‌شان با مؤلفه‌های متعدد این مجموعه در تماس قرار می‌گیرند. روند شکل‌گیری شهرها و فرایند دگرگونی‌شان می‌تواند رابطه‌ای متقابل با مراحل تکوین هویت اجتماعی شهرنشینان داشته باشد. هرگاه انسان‌ها در باور جمعی‌شان به یگانگی و وحدتی در کلیت فرهنگ و هویت‌شان دست نیابند، نشانه‌ها و آثار آن را می‌توان از جمله در بخش‌های مختلف زندگی شهری بازشناخت؛ نشانه‌ها و آثاری که خود تقویت‌کننده‌ی تشمت در ساختار فرهنگی زندگی شهری می‌تواند باشد.

ارتباط فضایی فرد با معانی‌ای که برای الگوهای رفتاری می‌سازد، در ارتباط متقابل قرار دارند. برای مثال هیچ فردی برای حضور در جمع خانواده از ادبیات رسمی استفاده نمی‌کند و در برخوردهایش با آنان، بسیار عرفی برخورد می‌کند. همین الگوهای رفتاری در جامعه و بر زندگی شهری نیز حاکم است. به نظر می‌رسد آشفتگی و نابسامانی‌های شهرنشینی در ایران منعکس‌کننده‌ی بن‌بست معنایی در زندگی ایرانیان است. سرگردانی و ابهام در تعیین جهت‌گیری‌های اساسی زندگی (فردی و جمعی)، اینک به وضوح در جامعه ایران قابل مشاهده است و صرف نظر از علل کثیر به وجود آورنده آن، می‌توان انتظار داشت واجد تأثیراتی در فرآورده‌های حاصل از زندگی نیز باشد. بدین ترتیب، آسیب‌شناسی مسائل شهری در ایران باید در چارچوب شرایط کلی زندگی ایرانیان مورد بررسی قرار گیرد که یکی از مهم‌ترین مسائل شهری و شهرنشینی، گسترش حاشیه‌نشینی و به تبع آن، افزایش بی‌خانمانی و کارتن‌خوابی است که پیامدهای بی‌شماری به دنبال خواهد داشت و می‌تواند جامعه را با بستری بحران‌زا مواجه کند (گودرزی، ۱۳۸۶: ۶۴).

جامعه‌ی مدرن که بستر آسیب‌های نوپدید است، با توجه به تفاوت‌های جوامع پیشامدرن و مدرن قابل‌شناسایی از یکدیگر هستند. از نظر تام باتامورا^۱ سه شاخص فردیت، طبقات اجتماعی و سکولاریسم می‌توانند جوامع مدرن را از

پیشامدرن تمییز دهند. فردیت در رابطه با طبقات اجتماعی در جوامع قابل تحلیل و تبیین است. در دوره‌ی پیشامدرن، اموری مستقل در حرفه‌ها، پیشه‌ها و صنوف وجود نداشت و همه طبقات تابع الیگارش‌ی کلیسا، حکومت یا نظام اداری بودند. به همین دلیل فعالیت‌های افراد بر پایه‌ی فردیت قرار نداشت و به وجود آمدن مالکیت خصوصی در دوره‌ی مدرن باعث شد که طبقات اجتماعی، مستقل از دین و حکومت به وجود آید. در این طبقات که استقلال نسبی داشتند، فردیت فرصت بروز پیدا کرده و در بستر فعالیت‌های اجتماعی افراد، تضادهای بین فرد و جامعه پدید آمد. از سوی دیگر، در جوامع پیشامدرن به دلیل وابسته بودن افراد به طبقات اجتماعی و وابستگی طبقات به حکومت و دولت، تامین نیازهای اولیه‌ی افراد از وظایف حکومت‌ها به شمار می‌رفت. با از بین رفتن این سیطره، افراد ناچار بودند برای کسب آزادی‌هایی که به دست آورده بودند، هزینه‌هایی نیز پرداخت کنند. از آن جمله سلب مسئولیت از دولت‌ها به منظور تامین نیازهای اولیه مثل خوراک، پوشاک و مسکن بود. بنابراین در جوامع پیشامدرن فقر مطلق وجود نداشت؛ البته باید توجه داشت که فقر نسبی همواره در جوامع دیده می‌شود، اما ناتوانی افراد در برآورده ساختن ابتدایی‌ترین نیازهایشان، دستاورد جامعه‌ی مدرن است (Bottomor, 1962, 109-16).

فرآیند توسعه‌ی جامعه از دوره‌ی پیشامدرن به جامعه‌ی مدرن، پیامدهایی مانند کمتر شدن آشنایی در شهر و به قول زیمل، افزایش احساس غریبگی در شهر را در پی دارد. اگرچه زیمل رویکرد مثبتی به غریبه دارد، اما حضور غریبه در فضاهای عمومی شهر مخاطراتی دارد. خطرات و تهدیدات به کلیه مخاطراتی اطلاق می‌شود که در روابط گرم، عاطفی، صمیمی و محبت‌آمیز اختلال ایجاد نماید و احساس نزدیکی و همدلی میان افراد را از بین ببرد. در واقع، حراست و نگهداری از احساس مایی، ریشه در حفظ روابط گرم، عاطفی و صمیمانه میان افراد دارد. حال برای حفظ این روابط چهره به چهره و محبت‌آمیز و پابرجا ماندن احساس مایی لازم است جامعه به پشتوانه عینی و واقعی برای دفع خطرات و کسب فرصت‌ها مجهز شود (چلبی، ۱۳۸۹: ۷۵). در فضایی که هر عضوی از جامعه احساس امنیت نداشته باشد، امکان مشارکت و همکاری نیز رو به افول می‌گذارد؛ در اینجا است که یکی از ظواهر جامعه‌ی مدرن یعنی فقر مطلق در

جامعه پدیدار می‌شود.

فقر مطلق با نمودهای مختلفی در جامعه عرصه‌ی ظهور پیدا کرده است. گسترش تکدی‌گری، اقتصادهای کاذب، بی‌خانمانی، حاشیه‌نشینی و کارتن‌خوابی^۱، برخی از آسیب‌های دوره‌ی مدرن است (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۸۳: ۷۹). در اشکال نوپدید آسیب‌های اجتماعی، مرگ به دلیل رفع نشدن نیازهای اولیه، افزایش چشم‌گیری پیدا می‌کند و حتی پیامدهایی مثل خودکشی برای رهایی از زندگی در شرایط بد را به همراه خواهد داشت. در بسیاری از شهرهای بزرگ کشورهای توسعه‌نیافته، نبود مسکن مناسب و مقرون به صرفه امری کاملاً رایج است و مقیاس بی‌خانمان‌های شهر، در مقایسه با کشورهای پیشرفته رقمی بسیار بالا را نشان می‌دهد.

شمار بی‌سرپناهان در تمام دنیا بسته به تعریف بی‌خانمانی از ۱۰۰ میلیون تا ۱ میلیارد نفر برآورد می‌شود. مرز پایین این رقم، ۱۰۰ میلیون، تنها کسانی را شامل می‌شود که اصلاً سرپناهی ندارند (برای نمونه بی‌خانمان‌ها)، و مرز بالایی، ۱ میلیارد شامل کسانی است که در خانه‌های غیراستاندارد، ناامن یا موقت بدون وجود ضروری‌ترین امکانات خدماتی چون آب سالم، بهداشت و فاضلاب زندگی می‌کنند. در هر صورت بی‌سرپناهی، مشکلی جهانی است، گو اینکه آمار خشک به خودی خود عیناً آشکارکننده‌ی شرایط ویرانگر بی‌خانمان‌ها نیست. از نظر بسیاری از فقیران شهرها، خوابیدن در مکان‌های عمومی، پارک‌ها یا هر فضای عمومی دیگری می‌تواند بخشی از زندگی روتین آنان باشد. کارتن‌خوابی رسیدن به انتهای مسیر فقر و تنگدستی است که فرد آسیب‌دیده، هر آنچه که در زندگی اجتماعی خود کسب کرده بود را از دست می‌دهد (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۸۹: ۳۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اعتیاد، بزهکاری، مشکلات خانوادگی و مسائلی از این قبیل آغازگر کارتن‌خوابی است و تمرکز کارتن‌خواب‌ها در مناطق مشخصی از شهر، امنیت اجتماعی آن منطقه را کاهش می‌دهد. کارتن‌خوابی که در سال‌های اخیر روند رو به رشدی را در تهران طی کرده است، بسیاری از افراد در تهران، چه مهاجر و چه ساکن شهر تهران را به دلایل مختلفی در کام خود کشیده است؛ همین پیامدها است که کارتن‌خوابی را به عنوان یک مسئله‌ی

اجتماعی مطرح می‌سازد. محقق در این تحقیق قصد پاسخگویی به این سوال را دارد که کارتن‌خوابی چگونه زمینه‌ی ورود افراد غریبه به مناطق شهری را میسر می‌سازد و این امر چه تاثیری در امنیت اجتماعی بر جای می‌گذارد؟

پیشینه‌ی تجربی تحقیق

■ استفان گیتز^۱، جس دونالدسون^۲، تیم ریچارد^۳ و تانیا گالیور^۴ در «گزارش بی‌خانمان‌ها در کانادا در سال ۲۰۱۳» که توسط مرکز مطالعات پیمانی برای پایان دادن به بی‌خانمانی^۵ منتشر شده، آورده‌اند: در این مطالعه، صحنه و زمینه برای درک گسترده‌ای از بی‌خانمانی، به عنوان معنی و دلایل آن فراهم آمده است. ایجاد یک تعریف مشترک از بی‌خانمانی اولین گام مهم برای توانا ساختن فرد در به پایان رساندن این مسیر است. نتیجه‌ی این مطالعه به منظور مفهوم‌سازی بی‌خانمانی نشان داد که بی‌خانمانی پیامد عوامل ساختاری، سیستم‌های ناکارآمد و شرایط فردی، کلیدی برای رسیدن به مهم‌ترین علت مسئله است. در کانادا برای توسعه دادن حمایت سیاسی نیاز به تغییر پاسخ فعلی و تلاشی به اندازه‌ی وسعت این مسئله نیاز است. این گزارش یک گام به سوی درک مشترک از معنا و علل بی‌خانمانی، همچنین شناخت عوامل مختلف مؤثر برداشت. داده‌ها نشان می‌دهد که بی‌خانمانی مشکلی گروهی از مردم است که در خیابان یا در پناهگاه زندگی می‌کنند و مشکل‌شان متأثر از ساختارهای اجتماعی ناکارآمد است. بخش بزرگی از جمعیت کانادا در تلاش است با فقر و امنیت درآمد (نرخ کمک‌های اجتماعی، کاهش تعداد کم‌درآمدها و تامین حداقل دستمزد)، قیمت مسکن (شامل نرخ خام، هزینه لیست انتظار مسکن و مسکن اجتماعی) و عدم امنیت غذایی که آن‌ها را در معرض خطر بی‌خانمانی قرار داده است، حمایت کنند. تعداد زیادی از خانواده‌ها، بین پرداخت اجاره‌خانه و تغذیه بچه‌های خود ناچار به انتخاب هستند. بسیاری از کانادایی‌ها در حاشیه‌ها

۱. Stephen Gaetz

۲. Jesse Donaldson

۳. Tim Richter

۴. Tanya Gulliver

۵. CAEH: Canadian Alliance to End Homelessness

زندگی می‌کنند و تنها یک فاجعه‌ی کوچک یا به‌اندازه‌ی حقوق ماهیانه‌ی ازدست‌رفته با بی‌خانمانی فاصله دارند. بر اساس نتایج این پژوهش که ساختارها را دلیل اصلی کارتن‌خوابی می‌داند، راهکار تمرکز بر مسکن، مداخله‌ی زودهنگام و توسعه‌ی مسکن مقرون به صرفه، کلیدهای اصلی توانمندی برای حرکت به دور از واکنش‌های اضطراری در ارائه‌ی خدمات به بی‌خانمان‌ها هستند (گیتز و دیگران، ۲۰۱۳). مشکلات ساختاری به عنوان اصلی‌ترین دلیل بی‌خانمانی در این پژوهش، به انواعی از عدم امنیت؛ در درآمد، مواد غذایی، سلامت و مسکن منجر شده است که راهکار توانمندسازی نیروی انسانی را مناسب دانسته‌اند.

■ «گزارش پژوهشی در امریکا درباره‌ی بی‌خانمان‌ها؛ بررسی بی‌خانمان‌ها، رابطه‌ی عوامل اقتصادی و جمعیت‌شناختی، و تغییرات ملی، دولت و سطوح محلی» عنوان پژوهشی است که در سال ۲۰۱۲ توسط موسسه‌ی تحقیقاتی بی‌خانمانی انجام و ارائه شده است. دولت امریکا در سال ۲۰۱۲، بی‌خانمانی را بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ که دوره‌ی رکود اقتصادی در کشور بود، بررسی کرده است. این گزارش نشان می‌دهد که با وجود وضعیت بد اقتصادی، بی‌خانمانی ۱ درصد در طول این دوره کاهش یافته است. کاهش بی‌خانمانی، به احتمال زیاد به دلیل سرمایه‌گذاری قابل توجهی بود که از سوی منابع فدرال برای جلوگیری از بی‌خانمانی صورت گرفت و به سرعت افرادی که بی‌خانمان شده بودند، دوباره به خانه بازگشتند. پیشگیری از بی‌خانمانی و برنامه‌ی بازگرداندن سریع به خانه، تامین مالی از طریق قانون بازیابی و سرمایه‌گذاری مجدد امریکا در سال ۲۰۰۹، تلاش ۱/۵ میلیارد دلاری فدرال برای جلوگیری از افزایش بی‌خانمانی به دلیل رکود اقتصادی بود. در سال ۲۰۱۰، در اولین سال اجرای این برنامه، به حدود ۷۰۰ هزار نفر از افراد در معرض خطر و بی‌خانمان کمک شده است. رشد کم کارتن‌خوابی با وجود رکود اقتصادی و وضعیت بد گردش مالی در این دوره، از نتایج حائز اهمیت است که نشان می‌دهد، کارتن‌خوابی صرفاً ناشی از مسائل اقتصادی نیست (گزارش بی‌خانمانی امریکا، ۲۰۱۲). بی‌خانمانی در میان طبقه‌ی پایین اجتماعی که معمولاً ناشی از فقر اقتصادی

به شمار می‌رود که گزارش کارتن‌خوابی در دوره‌ی رکود اقتصادی امریکا، نشان می‌دهد که تیدیل این مسئله‌ی اجتماعی که پدیده‌ای چندبعدی است به یک پدیده‌ی صرفاً اقتصادی، بیانگر نادیده گرفتن بسیاری از عوامل و پیامدهای ناشی از بی‌خانمانی است. اگر بی‌خانمانی پدیده‌ای اقتصادی در نظر گرفته شود، رفع مشکلات اقتصادی به حل این مسئله‌ی اجتماعی منجر می‌شود. اما از دست رفتن سرمایه‌ی اجتماعی، افزایش جرائم، رشد نرخ اعتیاد و کاهش امنیت اجتماعی، پیامدهایی هستند که ناشی از بی‌خانمانی می‌باشند.

■ اسماعیل علی‌اکبری و شهرام درخشان در سال ۱۳۹۳ مقاله‌ای با عنوان «تحلیل الگوهای فضایی آسیب‌های اجتماعی در محیط شهری؛ مطالعه‌ی موردی: منطقه پنج کلان‌شهر تهران نوشته‌اند. علی‌اکبری و درخشان به آسیب‌های موجود در این منطقه پرداخته‌اند و کارتن‌خوابی را یکی از این مسائل اجتماعی تشخیص داده‌اند. این پژوهش رویکرد فضایی به رفتارها و آسیب‌های اجتماعی دارد و فضا را بستر مکانی برای رفتارهای انسانی به شمار می‌آورد. این بستر از طریق فرایندهای مختلف در رفتار فضایی انسان متجلی می‌شود و به صورت برون‌داد رفتاری هنجار و نابهنجار یا موزون و ناموزون، نمود عینی و رفتاری پیدا می‌کند. در این رویکرد تاثیر عوامل بیرونی یا خصوصیات فضایی - کالبدی بر رفتار انسان و به عبارتی، نمودهای بیرونی رفتار انسان در رابطه‌ی متعارف با محیط مطالعه و تحلیل می‌شود. تراکم در زمینه‌ی رفتار انسانی در دو مفهوم به کار می‌رود: تراکم اجتماعی و تراکم فضایی. تراکم اجتماعی، شاخصی کمی برای تعداد افراد است که با روابط و رفتار بین فردی ارتباط نزدیکی دارد. در حالی که تراکم فضایی، وضعیتی عینی و فیزیکی از انبوهی یا حجم بارگذاری در یک واحد فضایی است که بر روابط و رفتار انسانی تاثیر می‌گذارد و بر موقعیت تکیه دارد. محدوده‌ی مورد مطالعه در این مقاله دارای تنوع اجتماعی و ناهمگونی بافت فرهنگی در کنار تبعات و توانمندی‌های مثبتی است که این منطقه را به یکی از کانون‌های اصلی مهاجرپذیر در شهر تهران تبدیل کرده و از این طریق به برخی از آسیب‌های اجتماعی دامن زده است. نتایج نشان داد

که در تحلیل فضایی آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای برخاسته از آن، نه تنها تاکید بر موقعیت کاربری و گره‌های شهری یا مراکز ثقل فضایی به عنوان عناصر شاخص و مولفه‌های مستقل، مهم هستند، بلکه با توجه به آرایش فضایی، نظام مکان‌یابی و همجواری فضاها، عناصر کاربری شهری، برای درک آثار متقابل و هم‌پیوندی‌های فضایی و عملکردی در این زمینه بسیار اهمیت دارد. به همین دلیل، الگوی پخش فضایی کارتن‌خواب‌ها و معتادان تابع کالبد و ساختار کالبدی فضا است. بنابراین برنامه‌ریزی و مدیریت آسیب‌های اجتماعی در کنار درک صحیح و تحلیل دقیق الگوهای رفتار فضایی این پدیده‌ها، نیازمند مطالعه‌ی ساختارهای کالبدی و کارکردی است تا بستر و محل وقوع آسیب‌های اجتماعی مشخص شود (علی‌اکبری و درخشان، ۱۳۹۳: ۴۹). ساختار کالبدی، می‌تواند با گسترش یافتن فضاها و عمومی موجب افزایش انسجام اجتماعی و مشارکت شهروندان شود و در مقابل، کاهش فضاها و عمومی یا تامین نکردن امکانات نگهداری از این فضاها و تضمین سلامت آن‌ها، به کمتر شدن انسجام و در نتیجه، افول امنیت اجتماعی می‌انجامد. مهاجرپذیری در مناطق شهری، امکان آشنایی افراد را کاهش داده و فضای شهری را به سوی پذیرش بی‌تفاوتی از سوی شهروندان پیش می‌برد.

■ خدیجه سفیری و رسول خادم در مقاله‌ای با عنوان «بررسی وضعیت امید به زندگی زنان بی‌خانمان شهر تهران؛ مطالعه‌ی موردی: مرکز نگهداری زنان بی‌خانمان شهرداری تهران، سامانسرای لویزان» که در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده، آورده‌اند: هدف از این مطالعه، بررسی اثربخشی وضعیت بی‌خانمانی بر شرایط امید به زندگی زنان بی‌خانمان شهر تهران است. ارزیابی از شرایط امید به زندگی زنان بی‌خانمان یاد شده، می‌تواند تصویری از اثربخشی شرایط بی‌خانمانی بر وضعیت سلامت جسمی و روانی این قشر و در نهایت طول عمر زنان مذکور ارائه نماید. در واقع به نظر می‌رسد توصیف معناداری برخی از شاخص‌هایی که رابطه‌ی میان بی‌خانمانی و طول عمر زنان بی‌خانمان موضوع این پژوهش را بیان می‌دارند، امکان ارزیابی و تحلیل از شرایط امید به زندگی زنان بی‌خانمان و تأثیرات

حاصل از قرار گرفتن آن‌ها در وضعیت بی‌خانمانی را ترسیم می‌نماید. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که بی‌خانمانی با وضعیت امید به زندگی زنان بی‌خانمان موضوع این تحقیق به وسیله‌ی راهبردهایی چون درونی‌شدن آسیب‌های اجتماعی، احساس ناکامی و حقارت، عدم امید به بازگشت به شرایط طبیعی زندگی، و میل به مردن، از رابطه‌ی معناداری برخوردار است. این راهبردها به تدریج اثربخشی وضعیت بی‌خانمانی را بر طول عمر زنان بی‌خانمان در شهر تهران از طریق پیامدهایی چون نابسامانی و اختلال در شرایط روانی، ابتلا به بیماری‌های خطرناک و لاعلاج، اعتیاد حاد به مواد افیونی پُرآسیب، پذیرش و یا تحمیل قربانی شدن و تجربه‌ی خودکشی فراهم می‌آورد. نتایج مذکور همچنین فرایند اثربخشی وضعیت بی‌خانمانی، بر وضعیت امید به زندگی زنان بی‌خانمان موضوع این تحقیق را، فرایندی پیچیده، چند متغیره، توأم با پیامدهای چند مرحله‌ای نشان می‌دهد (سفیری و خادم، ۱۳۹۲: ۵۱). درونی‌شدن آسیب در میان زنان بی‌خانمان، گرایش به اعتیاد در آنان را افزایش می‌دهد و احتمال پیوستن آنان به گروه‌های پرخطر در جامعه نیز بالا می‌رود. پذیرفتن عضویت در گروه‌های آسیب‌پذیر و پرخطر، هویتی به وجود می‌آورد که آسیب دیدن یا آسیب زدن، اموری عادی تلقی شده و امنیت فردی و اجتماعی را به خطر می‌اندازد.

■ مطالعات انجام شده بر روی کارتن‌خواب‌ها، از دو چشم‌انداز قابل بررسی است؛ چشم‌انداز نخست به ساختارهای فضایی در شهر پرداخته و الگوهای کالبدی فضا را از عوامل موثر در مکان‌یابی برای گسترش این پدیده می‌داند. بنابراین در این مطالعه، وجود کارتن‌خوابی و عواملی که بسترهای اجتماعی این آسیب اجتماعی را فراهم می‌کنند، مفروض بوده و به پراکندگی کارتن‌خواب‌ها در شهر تهران توجه شده است. چشم‌انداز دوم، به مطالعه‌ی چرایی بی‌خانمانی پرداخته و سعی در تبیین این پدیده داشته است. در این رویکرد، طرد اجتماعی هم دلیل و هم پیامد بی‌خانمانی است و رابطه‌ی متقابل بین این دو متغیر وجود دارد. در مطالعات انجام شده که برخی به چرایی رشد و گسترش بی‌خانمانی و برخی به پیامدهای آن

پرداخته‌اند، نکته‌ی مشترکی وجود دارد؛ در این پژوهش‌ها تنها سنخ‌هایی از کارتن‌خواب‌ها در مطالعه جای گرفته‌اند که به دلیل محرومیت‌های اجتماعی در مکان‌هایی مثل حاشیه‌ی شهرها، خرابه‌ها، پارک‌ها و سایر فضاهای عمومی زندگی می‌کنند و نیاز به حمایت از سوی نهادهای دولتی یا خصوصی دارند. این در حالی است که گروه‌های محروم اجتماعی که بیشتر از مهاجران به کلان‌شهرها تشکیل شده‌اند، پیامدهایی مثل ناامنی در مناطق مختلف شهری را به وجود آورده‌اند که کناره‌گیری از حضور در جامعه، یکی از نتایج آن است و سرمایه‌ی اجتماعی را به خطر می‌اندازد. به همین دلیل در این مطالعه به ویژگی‌های قومیتی و میزان اعتبار افراد در جامعه نیز توجه شده است تا رابطه‌ی آن با گرایش به کارتن‌خوابی مطالعه شود.

چارچوب نظری

به باور گافمن، زمانی که افراد برای پیدا کردن راه‌کارهایی در راستای رسیدن به اهداف خود، بتوانند از راه‌های متداول اجتماعی استفاده کنند، در چارچوب نخستی به ایفای نقش می‌پردازند. اما زمانی که چارچوب نخستی، کارکرد خود را از دست بدهد، چارچوب دومی به در هم شکستن مفاهیم و روابط موجود در چارچوب نخستی، نمایان می‌شود. در زندگی روزمره‌ی کارتن‌خواب‌ها، شکستن مفاهیم و روابط در شیوه‌ی زندگی عرفی و معمول اجتماعی به چشم می‌خورد. کارتن‌خوابی چه به دلیل طرد اجتماعی و چه ناشی از سرخوردگی باشد، نشان‌دهنده‌ی سبک جدیدی از زندگی است که در جوامع پیشامدرن دیده نشده بود و یکی از دلایل آن توزیع نامناسب ثروت و قدرت بوده که سرمایه‌داری به آن دامن زده است. همین نابرابری در توزیع ثروت و قدرت سبب بروز محرومیت‌های اجتماعی از جمله فقر در جامعه می‌شود. نداشتن دارایی به کاسته شدن قدرت و نفوذ اجتماعی می‌انجامد و کاهش حمایت نهادهای مدنی و دولتی از نخستین تبعات آن است.

در سازمان دادن به گروه‌های اجتماعی جدید از نظر گافمن موقعیت اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند و از اجزایی تشکیل شده است. گافمن یکی از عناصری را که در کنش موثر می‌داند، منش است. منش بخشی از نمای شخصی است

که مقام، رتبه، لباس، جنس، سن، ویژگی‌های قومی، قیافه، حالت بدن که حامل برخی نشانه‌ها هستند و به انتقال معنا کمک می‌کنند را می‌توان دید. همه‌ی این عناصر در دو بخش قیافه و منش قابل تفکیک هستند. همیشه این انتظار برای کنش گران و مخاطبان وجود دارد که بین قیافه و منش همخوانی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر تفاوت پایگاه افراد به تفاوت نقش‌های اجتماعی آنان و شیوه‌ی اجرای آن‌ها منجر می‌شود. بین نمای شخصی و محیط نیز انسجامی باید برقرار باشد که یک الگو یا نمونه‌ی آرمانی را به نمایش بگذارد (گافمن، ۱۳۹۲: ۷-۳۴). گافمن با تمایز قائل شدن میان این اجزا به شرح روابط دیالکتیکی موجود میان این عناصر پرداخته است و معتقد است اگر روابط میان اجزای سازنده موقعیت اجتماعی به درستی شکل گیرد، الگوی ثابتی از کنش را ارائه می‌دهد که می‌تواند به یک چارچوب کنش تبدیل شود. در این چارچوب رابطه‌ی متقابلی میان فضا و محیط وجود دارد که به فرد اجازه انتخاب کنش می‌دهد. بنابراین، بستر اجتماعی قالبی برای کنش است و در مناطقی که کارتن‌خوابی به شکل مسئله‌ای اجتماعی درآمده، بی‌شک محیط مناسبی برای گسترش آن وجود داشته و موقعیت اجتماعی در معرض تهدید بوده است.

جامعه از نگاه هابرماس به دو دنیای عقلانی و زیست جهان تقسیم می‌گردد، که با توجه به منطق حاکم بر هر یک از این گونه‌های جامعه نه بایکدیگر متعرض هستند نه متباین. بر این اساس، امنیت اجتماعی متعلق به جهان زیست است نه جهان عقلانیت. به همین دلیل، فهم پرخاشگری‌های فردی که به قومیتش اهانت شده با منطق عقلی مشکل و شاید هم غیرممکن باشد. جهان زیست تابع تعاملات و مناسبات افراد است، که طبعاً در هر شرایطی متفاوت بوده و نمی‌توان تعریف واحدی برای آن تجویز نمود. چنانکه پرخاشگری متعرضانه، در شرایط دیگر، با گفتگو حل و فصل می‌شود. با مناسبات و روابط این چنینی در بستر احساس، عواطف، همدلی، احساس تعلق و وابستگی میان افراد و خمیرمایه هویت شکل می‌گیرد. افراد آشنا و بیگانه بر اساس وجود یا عدم تعلقات مشترک تفکیک شده و با پیوند با آشنایان و دوری از بیگانگان هویت خویش را سامان می‌بخشند. بنابراین موضوع امنیت اجتماعی با این تفسیر، عبارت از توانایی حفظ هویت‌های اجتماعی است (روی، ۱۳۸۲: ۳۴). گافمن زندگی اجتماعی را در رابطه با محیطی

که کنشگر در آن به اجرای نقش می‌پردازد، تحلیل کرده و معتقد است: «...ظرفیت حرکت بین نقش‌های وضع شده در صورت اقتضای شرایط را می‌توان پیش‌بینی کرد و ظاهراً همه می‌توانند آن را انجام دهند. زیرا هنگام فراگیری نقش در زندگی واقعی، ما تولیدات خود را از طریق ایجاد آشنایی اولیه و تا حدی ناآگاهانه با نقش کسانی که مقابل آن‌ها خود را عرضه می‌کنیم، پیش می‌بریم و وقتی یک نقش واقعی را به درستی مدیریت می‌کنیم، موفقیت ما تا حدی به خاطر جامعه‌پذیری مورد انتظار ماست... وقتی فرد وارد جایگاه جدیدی در جامعه می‌شود و نقش جدیدی را برای اجرا بر عهده می‌گیرد... صرفاً چند نشانه یا سرنخ و راهنمایی در خصوص مسیرهای موجود در صحنه دریافت می‌کند. زیرا تصور کلی این است که در اندوخته‌های پیشینی خود به قدر کفایت قطعات اجرایی را که در محیط جدید لازم خواهند بود در اختیار دارد... بنابراین یک پایگاه، یک موضع یا یک مکان اجتماعی چیزی مادی نیست که بتوان آن را تصاحب و اجرا کرد. بلکه الگویی از رفتار متناسب است که منسجم، آراسته و به خوبی تنظیم شده است (گافمن، ۱۳۸۶: ۶-۸۳)».

بنابراین برای تحلیل روایت‌های کارتن‌خواب‌ها از زندگی روزمره‌شان، استفاده از تحلیل موقعیت گافمن که متکی بر تحلیل‌های فرد از محیط اطراف و شیوه ارتباط وی با دیگران است، استفاده شد. در این مطالعه با تاکید بر عناصر منش که از اجزای نمای شخصی هستند و نمود فرد در برابر دیگران را تبیین می‌کند و ارتباط روشنی با پایگاه اجتماعی دارد، به عنوان چارچوب نظری بهره گرفته شد. ویژگی‌های قومی که ارزش‌های درون یک قومیت را در نظر دارد، نشان‌های مقام که به داشتن اعتبارهای اجتماعی بر اساس اخذ مدارج و مدارکی در حوزه‌های مختلف علمی، ورزشی و هنری پرداخته و پایگاه طبقاتی که از دو بخش طبقه که میزان درآمد و پایگاه که میزان تحصیلات را در خود جای داده است، در فرایند سوق دادن افراد به کارتن‌خوابی تحلیل شده است. هر یک از این ویژگی‌ها می‌توانند در ایجاد تغییر در فضای کنش، مؤثر باشند و موقعیت را دائم در اثر کنش‌های خود تغییر می‌دهند. مهاجرت به عنوان یک تحرک

اجتماعی باعث انتقال فرهنگ‌های قومیتی می‌شود که معیارهای مختلفی در سنجش پایگاه اجتماعی را به مقصد وارد می‌کند. اختلاط این فرهنگ‌های قومی مختلف، دارای پیامدهایی است که خرده‌فرهنگ‌های گروه‌های کجرو که در برخی قومیت‌ها، به عنوان ارزش پذیرفته شده، در کلانشهرها رواج پیدا می‌کند.

روش تحقیق

از آنجا که این تحقیق با رویکرد کیفی انجام شده است و به تحلیل اطلاعات گردآوری شده توسط مصاحبه از کارتن‌خواب‌های شهر تهران پرداخته است، نظریه‌ها به مثابه راهنمای عمومی مدنظر قرار گرفتند. اشتروس و کوربین نیز با تاکید بر استفاده از نظریه‌ها و رویکردهای نظری تحت عنوان «ادبیات فنی» بر این باورند که بازنگری و استفاده عمومی از نظریه‌ها می‌تواند به چیزی منجر شود که گلیسر آن را «حساسیت نظری» خوانده است. یعنی، محقق باید بتواند به جریان‌ها، مفاهیم و رویدادهای اصلی مرتبط با موضوع تحت مطالعه، حساس بوده و برانگیخته شود. در این زمینه برخی از محققان استفاده از «لنز نظری» را پیشنهاد کرده‌اند (اشتروس و کوربین، ۱۳۸۷: ۹۳).

تکنیک گردآوری داده‌ها، مصاحبه و مشاهده بود و در مصاحبه‌ها تلاش شده که از طریق مبادله زبانی و گفتگوی مستقیم در کنار مشاهدات گهگاه محقق از محیطی که پاسخگو در آن زندگی می‌کند به لایه‌های عمیق‌تری از حقیقت دست یابیم. مسیر مصاحبه را عمدتاً تجارب پاسخگو هدایت می‌کرد و پرسش‌های بعدی را تعیین می‌کرد. البته توجه به این نکته ضروری است که این پرسش‌های متفاوت در راستای نیل به اهداف کلی‌ای که از این مصاحبه‌ها برای محقق مشخص شده است، انجام می‌شد. به عبارت دیگر؛ سمت و سوی مصاحبه به طور کلی مشخص شده بود. باید توجه داشت که در این مصاحبه‌ها سعی می‌شد تا به تجارب و گاه تفاسیر خصوصی از واقعیت اجتماعی که شاید به شکل عمومی کلیه‌ی پاسخگویان با اشکالی از آن مواجه بودند، دست یابیم. شایان توجه است که انجام این گونه مصاحبه‌ها به زمان بسیار بیشتری نسبت به مصاحبه‌های ساخت یافته یا شبه‌ساخت یافته نیاز دارد و پاسخگو دارای فرصت کافی خواهد بود تا محقق را به زبان طبیعی خود آشنا کند و در واقع او در چارچوب مفهومی محقق قرار نگرفته، بلکه محقق فرصت آن را می‌یابد تا در

چارچوب مفاهیم و زبان پاسخگو قرار گیرد و به این ترتیب گامی به سوی فهم موقعیت پاسخگو از یک سو و معانی‌ای که او از شرایط و رفتارها می‌فهمد، بردارد.

در این تحقیق، جامعه‌ی آماری از کارتن‌خواب‌های شهر تهران تشکیل شده که بر اساس آخرین آمار ارائه شده توسط معاونت اجتماعی شهرداری تهران، مربوط به شش ماهه‌ی اول سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۲۰۴۸ نفر است و از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه با کارتن‌خواب‌های شهر تهران گردآوری شده و تا اشباع نظری، این نمونه‌گیری ادامه پیدا کرده است. اشباع نظری، مرحله‌ای از نمونه‌گیری است که نمونه‌های جدید نتوانند اطلاعات بیشتری در اختیار محقق قرار دهند، در این زمان است که محقق باید نمونه‌گیری را متوقف کند. پس از ۲۸ مصاحبه از زنان و مردان کارتن‌خواب، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به اشباع رسید و نمونه‌گیری متوقف شد. تعداد ۱۹ مصاحبه از مردان در منطقه‌ی شوش و ۹ مصاحبه از زنان در سامانسرای لویزان گرفته شد. برای تحلیل داده‌ها، کلیه‌ی نوارهای مصاحبه‌ها پیاده شد. سپس مطالب مربوط به مشاهدات و یادداشت‌های محقق به آن اضافه شد. مطالب پیاده شده مجدداً بررسی و با توجه به پیش‌بینی‌های نظری، دسته‌بندی و جمع‌بندی شد. با توجه به نقشی که تحلیل محتوا در این بخش از کار ایفا می‌کند، پیش‌بینی‌های نظری به مثابه راهنما در نظر گرفته شدند و با روشن شدن الگوها و رده‌ها امکان ارزشیابی مناسب بودن پیش‌بینی‌های نظری فراهم شد.

یافته‌های تحقیق

گافمن به منش به عنوان یکی از اجزای نمای شخصی توجه کرده و آن را شامل نشان‌های مقام، ویژگی‌های قومی و پایگاه طبقاتی می‌داند. این سه عنصر که رابطه‌ی متقابل با هم دارند و در کلیتی با عنوان منش جای می‌گیرند، عوامل اکتسابی و انتسابی را در کنار هم مورد تاکید قرار می‌دهند. به عنوان مثال ویژگی‌های قومی نشان‌دهنده‌ی ارزش‌ها و هنجارهای قومیتی است که هر فرد در آن متولد شده است و قائم به فرد نیست. به عبارت دیگر این ویژگی‌ها به دلیل اجماع افراد هر قوم بر سر مقبولیت یافتن عناصر فرهنگی، به عنوان ویژگی‌های قومی پذیرفته شده‌اند و هر فردی که بخواهد از آن ویژگی‌ها فاصله بگیرد،

ممکن است از طرف قوم طرد شود یا هزینه‌ی تمرد از آن ویژگی‌ها را پردازد. پایگاه طبقاتی که از دو بخش پایگاهی و طبقاتی تشکیل شده است، هم به جنبه‌های جبری مثل وضعیت اقتصادی خانواده می‌پردازد و هم به اجزای انتخابی مثل میزان تحصیلات یا شغل فرد، به همین دلیل است که پایگاه طبقاتی نمی‌تواند صرفاً جبری یا صرفاً انتخابی باشد. نشان‌های مقام نیز می‌تواند اکتسابی یا انتسابی باشد؛ مثلاً در قومیت‌هایی که هنوز خان و خانزاده در آن دارای احترام و امتیاز است، فردی که فرزند خان باشد، نشان افتخار را از بدو تولد دریافت کرده است که در این صورت، نشان‌های مقام، انتسابی هستند. اما اگر چنین ویژگی‌ای در قومیتی وجود نداشته باشد، کسب مقام و موقعیتی که بتواند شخص را شاخص کند و متمایز از سایرین جلوه دهد، پایگاهی اکتسابی خواهد داشت. مثل قهرمانان ورزشی یا نخبگان علمی. علی که اصالت قومی خود را همان اصالت قومی پدرش می‌داند، گفت:

«اصالتا اهل هشتروند مراغه‌ام، اما تهران دنیا اومدم. من از اول تهران بودم و اونجا زندگی نکردم».

علی که تنها اصالت خود را به شهرستان مراغه نسبت می‌دهد، از آنجا که در آن منطقه زندگی نکرده و رفت و آمدی هم به آن شهرستان نداشته است، آشنایی زیادی با ویژگی‌ای فرهنگی و قومی منطقه ندارد. به همین دلیل وی را بیشتر با ویژگی‌های فرهنگی تهران و ساکنان تهرانی زندگی کرده و بزرگ شده است. اما محمد که ۳۲ ساله است، می‌گوید:

«۱۴ یا ۱۵ سال پیش از خانه خارج شدم و به تهران آمدم، حدود ۱۴ سال داشتم که از مهاباد به تهران آمدم، ما توی ۵ کیلومتری مهاباد زندگی می‌کنیم... بابام با من هم تا زمانی که مواد نمی‌کشم، خیلی خوبه، اما همین که مواد بکشم، آبروی منو توی دهات می‌بره. دهات طوری هستش که بابام میگه مردم که دم در نشستن، من روم همیشه برم بیرون یا برم مسجد. هر کی منو می‌بینه میگه بابای ممد دزده اومد، بابای ممد معتاد اومد. اونجا چون همه همدیگه رو می‌شناسن، خیلی بد میشه... ما توی مهاباد توی سن پایین ازدواج می‌کنیم، برادرم که متولد ۶۸ هستش، زن داره و دوتا بچه، خونه و ماشین. ما همیشه

هم با فامیلامون ازدواج نمی کنیم. من دخترعمو و دخترخاله زیاد دارم. هم مادرم و هم پدرم سیگاری بودن. مادرم ریه‌هاش چرک کرد و مرد... بابام هنوز هم سیگار می کشه، من هم توی خونه سیگار کشیدن رو یاد گرفتم. توی همون خونه که بودم، وقتی بابام منو می فرستاد صحرا، می رفتم گوسفند رو می فروختم و سیگار می خریدم. شب که می اومدم خونه به بابام می گفتم که گوسفند رو گرگ برد تا وقتی که اومدم تهران، حشیش کشیدم و خوشم اومد».

محمد در خانواده‌ای زندگی کرده که از نظر وضعیت مالی، نسبتاً ثروتمند بوده‌اند و پدرش خانه‌ای بزرگ در باغ را برایشان مهیا کرده بود، اما در عین حال که از نظر موقعیت مکانی در جایی مطلوب زندگی می کرده، در داخل خانواده، روابطی وجود داشته که وی از آن‌ها تاثیر پذیرفته است. بنابراین نبود کمبود دارایی‌های اقتصادی و برطرف نشدن خواسته‌های وی باعث گرایش وی به مواد مخدر نشده است؛ بر خلاف آنچه که تصور می‌شود، برخی از افراد حتی با داشتن تمکن مالی هم خانه را ترک می‌کنند. در این روایت از محمد، علاوه بر محل زندگی، شرایط زندگی و شیوه‌ی برخورد والدین با فرزندان که می‌توانند الگوی رفتاری باشند، برخی رفتارها را برای آنان تبدیل به تابو می‌کند که شکستن آن تابوها، هزینه‌های سنگینی را به فرزندان تحمیل می‌کند. در عین حال، برخی رفتارها که در برابر عرف‌ها و هنجارهای رایج اجتماعی قرار می‌گیرد، می‌تواند به عنوان رفتاری عادی و روزانه در فرزندان، نهادینه شود. محمد نیز سیگار کشیدن را در سنین کودکی از پدر و مادرش آموخته است، این آموخته‌ها را که جامعه آن را کجروی از نظم اجتماعی و جامعه‌پذیری به شمار می‌آورد را درونی کرده است و در ادامه‌ی زندگی، بیش از گذشته آن را پروریده است. لیبلا که ۳۲ ساله بود و از اردبیل به تهران آمده بود، پس از مهاجرت به تهران در سنین نوجوانی، درباره‌ی اطلاع خودش از اعتیاد به مواد مخدر و آسیب‌های پس از آن چنین گفت:

«آشنایی من با مواد بعد از اینکه به تهران اومدم، بود. اول که اومدم، رفتم توی یه مسافرخونه توی شوش، یه بنده خدایی اونجا بود که توی رستوران کار می‌کرد. یه بار به من گفت بکش، من هم کشیدم

و خوشم اومد. بعد از اون همش با هم می کشیدیم... سه چهار سال هروین کشیدم و بعد کراک اومد. همون بنده خدا اومد و از کراک تعریف کرد که... ما هم رفتیم کشیدیم و خوشمون اومد. تا یک ماه همش میرفتیم و کراک می زدیم... تا اینکه یه روز صبح دیدم اصلا نمی تونم راه برم. پیش خودم گفتم نکنه سرما خوردم و بدنم درد می کنه. رفتم داروخونه برفن بگیرم که فروشنده به من گفت، بدبخت تو خماری. گفتم، خماری چیه؟ گفت عمل پیدا کردی و... اون موقع بود که فهمیدم معتاد شدم، بعد از اون رو به دزدی بردم و حتی زندان رفتم، سابقه دار شدم... من وقتی می رفتم سر کلاس بچه ها رو جمع می کردم و با هم قمار بازی می کردیم، پشت دستی بازی می کردیم. اصلا علاقه ای به درس نداشتم. از همون بچگی دنبال سیگار بودم.»

گرچه لیلا آشنایی خود با مواد مخدر را ابتدا به مهاجرتش به تهران ربط می دهد و این می تواند ناشی از ناکامی وی در سازگار شدن با محیط مقصد مهاجرت باشد، اما هنگام گفتگو درباره‌ی دوران نوجوانی و مدرسه، وی در پاسخ به زمینه‌های موجود در خانواده و مدرسه که دو نهاد بنیادی در پرورش اعضای جامعه به شمار می روند، اشاره کرد. در روایت لیلا از دوران مدرسه اش و همبودی وی با گروه همالان در مدرسه و اوقات فراغت، چنین برمی آید که وی در محیط خانواده از پدر و مادرش سیگار کشیدن را آموخته و در کلاس درس این داده است. این مصاحبه نشان می دهد که لیلا با اینکه می داند که تحصیلات برایش اعتبار اجتماعی به بار می آورد، اما از درس خواندن تمرد می کند و از سوی دیگر، اگرچه در ارزش های خانوادگی و قومی ایشان، اجتناب از کجروی و اعتیاد توصیه شده است، اما وی خلاف ارزش های توصیه شده عمل کرده است. در این روند برای به دست آوردن پول برای تهیه سیگار، سعی می کرده تا بدون جلب توجه پدر و مادرش، پولی را از خانه بردارد، اما با برچسب هایی چون دزدی و قماربازی وی را از آینده اش بیم دادند. در حالی که شاید کودکی که در سنین پایین، بدون اجازه‌ی پدر و مادرش چیزی را از خانه بیرون می برد، تجلی مفهوم دزدی را در ذهن خود نداشته باشد. این برچسب زنی در مورد شرط

بستن لیلا و همکلاسی هایش در بازی بر سر یک سیگار نیز اتفاق افتاده است؛ چه بسا وی پس از سال‌ها و رسیدن به سنین جوانی معنای قمار را متوجه شده باشد و حال از خاطرات کودکی خود با این عنوان یاد می‌کند. روح‌الله که پس از جدایی از همسرش معتاد به مواد مخدر شده است، از فرهنگ قومی خود و سبک زندگی قومیت خودش چنین گفت:

«من اهل اراک هستم و اونجا دنیا اوادم و بزرگ شدم، درس خوندم، اما بعد از ازدواج هم تهران زندگی می‌کردم. خانمم از فامیل‌ها نبود، ما این رسم رو هم نداریم که حتما از فامیل واسه ازدواج انتخاب کنیم. یه اتفاقی افتاد و با خانمم آشنا شدم و یه مدت همدیگه رو می‌دیدیم تا اینکه با هم ازدواج کردیم... جدا شدن خانمم دستاویزی بود که مواد رو ادامه بدم و خودم رو سرگرم کنم... توی خانواده و شهرستان ما مصرف مواد بخصوص تریاک، رایج بود. پدر بزرگ خودم که خان و خانواده توی اون منطقه خودشون بودن، همیشه بساط منقل و بافورشون آماده بود. حتی پدر خودم هم به واسطه پدرش تا حدودی مصرف می‌کرد. این جزء فرهنگ اون منطقه هستش... خب من از بچگی آشنا بودم. خودم جای ببر بودم، زیاد می‌دیدم و این چیزها توی فرهنگ ما بود. از اون موقع یه چیزی توی ذهنم مونده بود دیگه، زمانی که پدرم مصرف می‌کرد، خوب بود، مهربون بود، ولی وقتی مصرف نمی‌کرد، بد بود. اینا برام عجیب بود».

روح‌الله که در اراک زندگی کرده بود و پذیرایی با تریاک را بخشی از فرهنگ قومی آن منطقه معرفی می‌کند، از کودکی با مواد مخدر و مصرف آن آشنا بوده است و همین آشنایی باعث شده بود تا کنجکاو‌های دیگری دربارۀ چرایی تغییر رفتار مصرف‌کنندگان قبل و بعد از مصرف مواد داشته باشد. اما خودش را تا زمانی که از همسرش جدا نشده بود، معتاد به مواد مخدر نمی‌داند. از سوی دیگر، وی تا زمانی که در اراک زندگی می‌کرده، یکی از نوادگان خان‌های منطقه بوده و نشان افتخار انتسابی داشته است و به گفته‌ی خودش از نشان‌های اکتسابی نیز برخوردار بوده است:

«من توی اراک که زندگی می‌کردم تا ۲۳ یا ۲۴ سالگی فقط ورزش

می‌کردم. بوکس کار می‌کردم، تیم ملی جوانان دعوت شدم. اون زمان یا ورزش می‌کردم و یا با دوستانم دور می‌زدم. رگ دست چپم که پاره شد، مجبور شدم بوکس رو بذارم کنار».

دعوت به تیم ملی بوکس یکی از افتخارات وی بوده که با تلاش‌های خودش به دست آمده است و این یکی از نشان‌های مقام وی بوده است. علاوه بر اینکه وی دارای تحصیلات دانشگاهی بود و از نظر پایگاه طبقاتی دارای مرتبه‌ی خوبی بود، در شرکت نفت هم استخدام شده بود که شغل وی نیز بر اعتبار پایگاه طبقاتی وی می‌افزود، اما با این حال، داشتن زمینه‌های قومی که گرایش به اعتیاد را در او پرورانده بود، دارایی خود را از دست داد و به کارتن‌خوابی روی آورد. علی که متاهل و دارای دو فرزند است، خود را فردی دارای ویژگی‌های خاص نمی‌داند و از گذشته‌ی خود چنین سخن می‌گوید:

«در مدرسه در کارهای هنری، درسی و چیزای دیگه خیلی تلاشی نداشتم، اما توی تیم ورزشی بودم و به کشتی علاقه داشتم که جنگ شد و اون رو هم رها کردم. من چون خیلی اهل درس خوندن نبودم، ترک تحصیل کردم».

علی بر خلاف روح‌الله هیچ یک از اعتبارهای اجتماعی اعم از تحصیلات، ورزش، هنر و سایر افتخارات را دنبال نکرده است و تلاشی در این زمینه نداشت. به همین دلیل وی را از نظر پایگاه اجتماعی می‌توان در طبقات پایین نیز جای داد و همین امر وی را در التزام نداشتن به هنجارهای مقبول اجتماعی هدایت می‌کرد. علی که سال‌ها از مصرف مواد مخدر کنار گرفته است، درباره برخوردهایی که در جایگاه یک معتاد با وی می‌شد، ناراحتی خود را ابراز کرد و بر این باور بود که نباید به معتادان، مانند مجرم نگریسته شود؛ در حالی که آنان دارای بیماری‌ای هستند که درمانش به سادگی امکان‌پذیر نیست و به سختی می‌توانند مصرف مواد مخدر را کنار بگذارند. وی سایر کجروی‌هایی که از سوی معتادین انجام می‌شود را معلول اعتیاد و نگاه مجرمانه افراد در جامعه می‌داند. وی در این باره گفت:

«پدر و مادرم بیسواد بودند و درآمد اونا متوسط بود... خودم هم ترک تحصیل کردم، اما من زمانی که کفاشی می‌کردم، درآمد خوبی

داشتم و هزینه‌ی زندگیم تامین می‌شد، اما بعد از اون که ورشکسته و بیکار شدم، کم‌کم به سمت اعتیاد هم رفتم... دوست دارم من را مثل یک آدم بیمار ببینند نه آدمی که می‌خواد فقط خسارت وارد کنه. اگر ما سرقت می‌کردیم یا کار خلافی انجام می‌دادیم به دلیل مواد مخدري بود که مصرف می‌کردیم و بیمار بودیم. وابستگی به مواد من را مجبور می‌کرد... و گرنه من دوست نداشتم کاری انجام بدم که به دیگران خسارت وارد کنه».

با وجود اینکه علی در نشان‌های اعتبار و پایگاه طبقاتی کم‌بهره بود، اما همچنان انتظارات خود را از جامعه در سطح بالایی ابراز می‌دارد. وی انتظار دارد که گرچه فردی آسیب‌دیده است، اما وی را جدای از سایر افراد جامعه به شمار نیاورند و رفتاری یکسان با دیگران با وی داشته باشند. اما سمانه که خودش ترک تحصیل کرده، از پدرش و دلایل ترک تحصیل خودش گفت و تاکید کرد که دلیل هیچ کدام از اتفاقاتی که برایش افتاده را به دیگران واگذار نمی‌کند. وی گفت:

«پدر من تا اول راهنمایی درس خونده، اما قرآن خون هستش و به بچه‌ها هم قرآن درس میده. من اونجا خانوادم ثروتمند بودن و سن خودم هم کم بود و احتیاج به چیزی نداشتم، اما فقط دوست داشتم پیام تهران که او مدم و بدبخت شدم... من تصمیم گرفتم که برگردم، چون اینقدر دربه‌دري و بدبختی دیگه واسه من کافیه. من الان که خودم تصمیم گرفتم، می‌خوام انجامش بدم. ۱۵ ساله که توی این خیابون‌ها خوابیدم و خیلی بدبختی کشیدم».

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان به این نتایج اشاره کرد که منش افراد که از فرهنگ قومی، پایگاه طبقاتی و اعتباراتی است که در جامعه کسب می‌کنند، اما فرهنگ قومی افراد تاثیر بسزایی در تغییر منش آنان دارد. در نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها که ارائه شد، دو سنخ از کارتن‌خواب‌ها دیده می‌شود؛ تعدادی از آنان که از نشان‌های افتخار برخوردارند و ارزش‌هایی قومی خود را تا زمانی در خانواده و در میان قومیت خود زندگی می‌کرده‌اند، رعایت کرده‌اند و گروهی که از این نشان‌ها برخوردار نبودند و از قشرهای پایین جامعه به شمار می‌رفتند.

جدول ۱: توصیف متغیرهای تحقیق

جمع	مرد	زن		
۲۸	۱۹	۹	تعداد	جنس
۱۰۰	۶۷/۹	۳۲/۱	درصد	
۱۷	۱۱	۶	تعداد	رواج اعتیاد در قوم خاستگاه
۶۰/۶	۳۹/۲	۲۱/۴	درصد	
۲۱	۱۳	۸	تعداد	ازدواج زودهنگام
۷۴/۹	۴۶/۴	۲۸/۵	درصد	
۷	۵	۲	تعداد	نشان‌های انتسابی (خانواده، فرزند/پسر ارشد...)
۹/۲۴	۱۷/۸	۷/۱	درصد	
۱۶	۱۱	۵	تعداد	نشان‌های اکتسابی (شغل، تحصیلات، ورزش، هنر و ...)
۵۷	۲/۳۹	۱۷/۸	درصد	

ویژگی دیگر که پایگاه طبقاتی بود، دو جنبه‌ی اکتسابی و انتسابی را در بر می‌گیرد؛ بدین سان که طبقه بر درآمد و وضعیت اقتصادی خانواده تاکید دارد که انتسابی است و در مصاحبه‌های ذکر شده، این بخش از متغیر پایگاه طبقاتی تا زمان سکونت در خانواده، آسیبی در پی نداشته است. اما بخش پایگاهی این متغیر که اکتسابی است حتی با داشتن نشان‌های مقام اعم از رتبه‌های علمی، ورزشی و هنری که در بالا رفتن پایگاه اجتماعی آنان تاثیر دارد، توانسته محرکی برای گرایش به کجروی باشد؛ نتایج نشان داد که پایگاه طبقاتی و بخصوص بخش اکتسابی آن، پیوند زیادی با فرهنگ و ارزش‌های قومی دارد و می‌تواند زمینه را برای هر گرایشی در افراد فراهم سازد. فرهنگ قومی برخی از قومیت‌ها از نظر عرفی برای مردم آن منطقه به عنوان یک ارزش محسوب می‌شود، اما از نظر هنجاری و قانونی، برخی خرده‌فرهنگ‌ها جرم تلقی می‌شود. مثلاً حمل و مصرف مواد مخدر در تهران به عنوان یک آسیب و جرم شناخته می‌شود و ارگان‌های دولتی در صدد هستند تا با پاکسازی و بهسازی فضای عمومی

بخصوص پارک‌ها از ترویج این خرده‌فرهنگ، پیشگیری کنند. یکی دیگر از خرده‌فرهنگ‌های انتقال یافته به مقصد مهاجرت، ارزش گذاری بر اساس اصالت خانوادگی بود که انتظاراتی را برای افراد به وجود آورده بود و به دلیل اینکه در تهران، این رفتار نوعی ضدارزش تلقی می‌شود، افرادی که با این ارزش قومی به تهران مهاجرت کرده‌اند، گرفتار نوعی خلا عاطفی شده و گرایش به گروه‌هایی پیدا می‌کنند که به آن‌ها توجه شود. ازدواج نیز در فرهنگ برخی از اقوام، یک ارزش تلقی شده است که گاهی مهاجرت به شهرهای بزرگ آن را به تاخیر می‌اندازد. انتظاراتی که برخاسته از فرهنگ قومی افراد است و در شهرهای بزرگ، قابلیت پاسخگویی به آن‌ها وجود ندارد، باعث گرایش افراد به گروه‌های کجرو می‌شود که مکان‌های خاصی را به عنوان پاتوق دارند. وجود این پاتوق‌ها باعث کاهش امنیت اجتماعی می‌شود. مصاحبه از مردان در شوش و مصاحبه از زنان در سامانسرای لویزان، واقع در تهرانپارس انجام شد و به همین دلیل با ۲۸ پاسخگو، پرسشنامه‌ای با ۶ گویه ساخته و با استفاده از داده‌های مصاحبه‌ها تکمیل شد که نتایج آن در جدول زیر آمده است:

جدول ۲: رابطه‌ی کارتن‌خوابی و امنیت اجتماعی

سطح معناداری	ضریب همبستگی کندال	رابطه‌ی کارتن‌خوابی و امنیت اجتماعی
۰/۰۴۶	-۰/۵۷۹	

امنیت در این پژوهش به عنوان یکی از پیامدهای کارتن‌خوابی مورد مطالعه قرار گرفت که نشان داد رابطه امنیت اجتماعی و کارتن‌خوابی، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه‌ای معنادار است. البته این متغیر با متغیر دیگری که مهاجرت بود، مورد سنجش قرار گرفت. از آنجا که نقش کنترل اجتماعی در قومیت‌های مختلف، نقش مهمی دارد و امنیت، تاندازه‌ی زیادی وابسته به کنترل اجتماعی درونی یا بیرونی است، رابطه کارتن‌خوابی با ویژگی‌های فرهنگ قومی نیز مورد بررسی قرار گرفت:



جدول ۳: آزمون رابطه‌ی انواع فرهنگ قومی و گرایش به کارتن خوابی

ضرب کای اسکوار	سطح معناداری	
۲۰۲/۸	۱۴۵/۰	رابطه‌ی فرهنگ قومی بسته و کارتن خوابی
۳۷۰/۱۰	۰۴۹/۰	رابطه‌ی فرهنگ قومی تعاملی و کارتن خوابی
۰۷۸/۳	۶۸۸/۰	رابطه‌ی فرهنگ قومی باز و کارتن خوابی

فرهنگ قومی تعامل گرا با کارتن خوابی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه‌ی معناداری داشت و فرهنگ قومی بسته و فرهنگ قومی باز، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معناداری را نشان ندادند. این نتایج بیانگر این نکته است که رابطه میان فرهنگ قومی و کارتن خوابی، رابطه‌ای خطی نبود، این رابطه که منحنی شکل است، از قواعد رابطه خطی پیروی نمی‌کند. فرهنگ قومی بسته به دلیل کنترل درونی که بر افراد دارد و تا مدت‌ها پس از خروج افراد از این قومیت‌ها، همچنان سلطه‌ی ارزش‌های قومی، کنترل رفتار فرد را در سیطره خود دارد و مانع از کجروی فرد می‌شود. در فرهنگ قومی باز نیز، هنجارهای اجتماعی، کنترل بیرونی بر فرد اعمال می‌کنند و فرد تا زمانی که در یک شهر و با دیگران زندگی می‌کند، ملزم به رعایت هنجارهای اجتماعی است. در میان این دو گروه کجروی کمتر دیده می‌شود و به همین دلیل، رابطه‌ی این دو گروه با کارتن خوابی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. اما گروه‌های قومی تعامل گرا که به واسطه‌ی خروج از قومیت خود، با تضعیف کنترل درونی و به دلیل رفت و آمد به شهرهای بزرگ با تضعیف کنترل بیرونی مواجه هستند، در بستری سیال زندگی می‌کنند که احتمال کجروی در این میان اعضای این گروه را افزایش می‌دهد. بنابراین رابطه‌ی بین این گروه قومی و کارتن خوابی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار بود.

نتیجه‌گیری

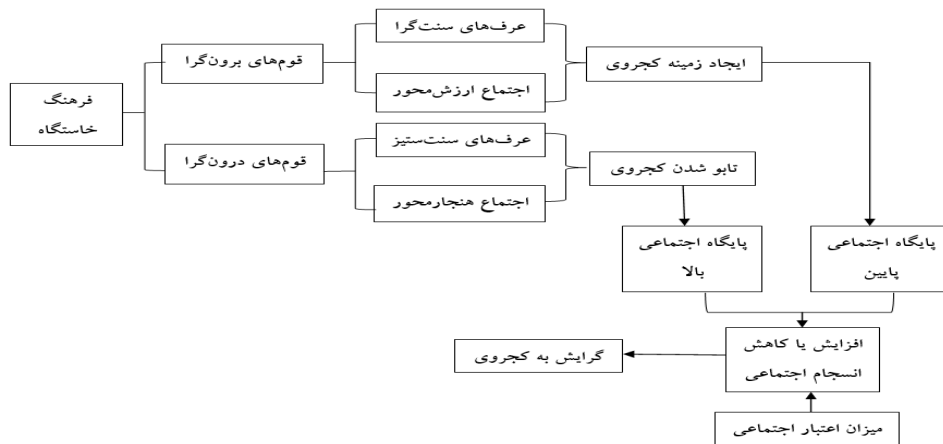
فرهنگ قومی به عنوان عنصری محوری در تعیین منش کارتن خواب‌ها نقش مهمی داشت و بر سایر عناصر یعنی نشان‌های مقام و پایگاه طبقاتی، تاثیر بسزایی گرفته است. به طوری که تعریف اعتبار اجتماعی که برآیند نشان‌های مقام اکتسابی و گاه انتسابی بود، بر اساس قومیت افراد تغییر می‌کرد و این امر نشان

می‌داد که حتی پایگاه طبقاتی افراد بخصوص در قوم‌هایی که درون‌گرا بودند، بر اساس اعتبارهایی که انتسابی به دست آمده بود، تغییر می‌کرد و پایگاه بالا یا پایین اجتماعی را مشخص می‌نمود. به همین دلیل، به نظر می‌رسد که سه عنصر ویژگی‌های قومی، نشان‌های مقام و پایگاه طبقاتی روابط متقابل و در هم تنیده‌ای دارند که تنها برای گردآوری اطلاعات می‌توان این سه عنصر را از یکدیگر تفکیک کرد.

جدول شماره ۴: منش در زندگی روزمره کارتن‌خواب‌های شهر تهران

قومیت	محوریت قوم	نگرش قومی	اعتبار اجتماعی	نتایج قوم‌گرایی
درون‌گرایی (قوم‌محور)	ارزش	سنت‌گرا	انتسابی	زندگی در بسترهای مساعد کجروی دارای عرف‌های کجروانه‌ی قومی
برون‌گرایی (جامعه‌محور)	هنجار	سنت‌ستیز	اکتسابی	تابو دانستن کجروی داشتن عرف‌های فراقومی

این جدول به گونه‌شناسی قومیت‌های کارتن‌خواب‌هایی که مورد مصاحبه قرار گرفتند پرداخته است. در واقع، قومیت‌هایی که در ایران وجود دارند، دارای ویژگی‌های متفاوتی نسبت به یکدیگر هستند و برخی بر ارزش‌های درون‌گروهی خود استوارند و برخی بر اساس هنجارهایی که ضمانت اجرایی دارند به ارزیابی میزان مقبولیت اعضای خود می‌پردازند. در همین بستر اجتماعی است که برخی اقوام با سنت‌های قومی و قبیله‌ای که از دوران گذشته به جا مانده، مقابله می‌کنند و برخی اقوام سعی در حفظ و صیانت از این سنت‌ها دارند.



نمودار شماره ۱: منش در زندگی روزمره کارتن‌خواب‌های شهر تهران

قوم‌های برون‌گرا به دلیل اینکه با جوامع دیگر و با جامعه‌ی مدرن، ارتباط بیشتری پیدا می‌کنند، زمینه‌های بروز کجروی را در خود بیشتر از قوم‌هایی که درون‌گرا هستند، می‌پرورانند. در اقوام درون‌گرا، کنترل اجتماعی با روابط چهره به چهره وجود دارد و هر گونه تخطی از ارزش‌های قومی به دیگر اعضای قوم، اجازه‌ی بازخواست می‌دهد. علی‌اکبری و درخشان نیز فضا را بستر مکانی برای رفتارهای انسانی به شمار آورده‌اند. این بستر از طریق فرایندهای مختلف در رفتار فضایی انسان متجلی می‌شود و به صورت برون‌داد رفتاری هنجار و نابهنجار یا موزون و ناموزون، نمود عینی و رفتاری پیدا می‌کند (علی‌اکبری و درخشان، ۱۳۹۳).

بر اساس نظر گافمن که برای تبیین منش به سه مؤلفه‌ی نمای شخصی، پایگاه طبقاتی و فرهنگ قومی می‌پردازد، این نتایج از مصاحبه‌ها به دست آمد. پایگاه طبقاتی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مورد نظر گافمن، افراد را بر اساس درون‌گرا یا برون‌گرا بودن قوم، با شاخص‌های متفاوتی از یکدیگر تفکیک می‌کند. در قومیت‌های درون‌گرا معمولاً پایگاه طبقاتی به صورت موروثی و انتسابی مثل خان و خانزاده از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، اما زمانی که فرد به شهر یا کلان‌شهر دیگری مهاجرت می‌کند، معمولاً با هنجارهایی مواجه می‌شود که پایگاه اجتماعی، نه پایگاه طبقاتی وی را مشخص می‌کند. در ارتباط میان پایگاه طبقاتی و فرهنگ قومی، مؤلفه‌ی سومی را گافمن وارد می‌کند که نشان‌های مقام است و اعتبار اجتماعی را برای افراد به همراه دارد. اعتبار اجتماعی که با نشان‌های انتسابی به افراد اختصاص می‌یافت، در خارج از قومیت درون‌گرا، اعتبار خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند ارزشی برای صاحب اعتبار انتسابی کسب کند. در اینجا است که فرد احساس تنهایی، محرومیت از اعتبار و پایگاه قومی و همچنین طرد شدن از قوم خویش را پیدا می‌کند و به دلیل اینکه کنترل اجتماعی در روابط چهره به چهره از افراد گرفته شده است، امکان هر گونه منشی از فرد را می‌توان داشت.

منابع

- استونز، راب (۱۳۹۰)؛ میردامادی، مهرداد، متفکران بزرگ جامعه شناسی، تهران، مرکز، چاپ سوم.
- اشتراوس، انسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۹). مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. (ابراهیم افشار: مترجم). تهران: نشر نی
- چلبی، مسعود، (۱۳۸۶). جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- روی، پل، (۱۳۸۲). معمای امنیت اجتماعی. ترجمه میژه نویدنیا، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره سوم. صص ۶۰۵-۷۰۸
- سفیری، خدیجه و رسول خادم. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت امید به زندگی زنان بی‌خانمان شهر تهران (مطالعه موردی: مرکز نگهداری موقت زنان بی‌خانمان شهرداری تهران، «سامانسرای لویزان»). فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی ایران. دوره ۶، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۲، صص ۷۰-۵۱
- سلیمی، علی. داوری، محمد (۱۳۸۵)، جامعه شناسی کجروی، نشر پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- علی اکبری، اسماعیل و درخشان، شهرام. (۱۳۹۳). تحلیل الگوهای فضایی آسیب‌های اجتماعی در محیط‌های شهری مطالعه موردی: منطقه پنج کلانشهر تهران. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، بهار ۱۳۹۳، شماره ۲، صص ۷۲-۴۹
- علیوردی نیا (۱۳۸۹)، مطالعه جامعه‌شناختی کارتن‌خوابی (بررسی موردی شهر تهران)، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- گافمن، اروینگ. (۱۳۹۲). نمود خود در زندگی روزمره. (مسعود کیانپور: مترجم). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- گودرزی، امیر (۱۳۸۶). زمستان بی پایان برای کارتن خواب‌ها. روزنامه اعتماد ملی. شماره ۵۶۷/۴/۱۱/۸۶. صفحه ۱۷.
- ویلیامز، فرانک پی و مک شین، ماری لین ری (۱۳۸۳)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه‌ی حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- Bottomor, Tom. (1962). *Sociology: A Guide to Problems & Literature*. London: George Allen & Unwin



- Gaetz, Stephen, Jesse Donaldson, Tim Richter, & Tanya Gulliver (2013): The State of Homelessness in Canada 2013. Toronto: Canadian Homelessness Research Network Press.
- Segaert, A. (2012). The National Shelter Study: Emergency Shelter Use in Canada 2009-2005. Ottawa: Homelessness Partnering Secretariat, Human Resources and Skills Development Canada.
- U. S. National Alliance to End Homelessness. (2012). The State of Homelessness in America. Homelessness Research Institute